



گزارش «آرمان ملی» از نارضایتی مردم به خاطر افزایش بهای مترو، اتوبوس و تاکسی

حمل و نقل گران

صفحه ۹

سخن روز

اروپا و ورود به مذاکرات مسقط

حسن هانی زاده
تحلیلگر مسائل بین الملل

ابراز تمایل تروئیکای اروپا برای ورود به مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا نشان می دهد که انگلیس، فرانسه و آلمان درصدد تغییر روند مذاکرات و تحمیل شرایط خود به طرف های مذاکره برآمده اند. این ۲ کشور در طول مذاکرات سابق و...

یادداشت

روایت تغییر در مذاکرات ایران و آمریکا

یاسر هاشمی
فعال سیاسی

در روزهایی که اخبار مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا در صدر رسانه های بین المللی قرار گرفته، نشانه های تازه ای از تغییر در لگو، زبان و حتی فلسفه پشت این گفت و گوها دیده می شود.

ادامه در همین صفحه

«آرمان ملی» بررسی می کند

پازل بهارستانی ها برای استیضاح صادق

علیرضا نثاری: دوستان عجله کردند؛ حتما نظر کمیسیون و مجلس این نیست

صفحه ۲

تهران و آژانس در مسیر دیپلماسی

«آرمان ملی» گزارش می دهد

صفحه ۲

تلاش برای قانع کردن تندروها در مجمع تشخیص

آرمان ملی: ۲ لایحه پارلمو و CFT سال ها است که در رسانه ها، محافل سیاسی و اقتصادی مطرح می شود ولی تاکنون ارکان نظام نتوانسته اند این چالش را به سرانجام برسانند. در واقع می توانیم اینگونه بگوییم که هرچند تندروها حضور دارند باید پیش بینی چالش ها و مخالفت هایی را داشته باشیم. نه تنها تندروها در مجلس شورا با هرگونه ارتباط بین المللی مخالف هستند بلکه برخی چهره های

مجمع هم همین نگاه را دارند و هر بار که از تصویب لوایح مورد نظر سخن به میان می آید، مخالفت خود را ابراز می کنند و معتقدند که تصویب این لوایح راه را برای دشمنان کشور باز می کند و اطلاعات مالی ایران به دست آنها خواهد افتاد. شرایط به اندازه ای حساس است که به دلیل محدودیت های FATF حتی کشورهایی مانند روسیه و چین هم نمی توانند با ایران مراودات مالی داشته باشند.

صفحه ۴



عکس: آرمان ملی

افزایش امتیازهای ایران در روند مذاکرات

صفحه ۶

عبرت های حادثه بندر

هادی حق شناس
اقتصاددان

در بندر شهید رجایی بیش از ۴۰ سال است که عملیات تخلیه بارگیری انجام می شود. در برخی سال ها بیش از یک میلیون کانتینر تخلیه و بارگیری انجام شده و تقریباً عملیات بیش از ۵۰ درصد کالاهای صادراتی، وارداتی، ترانزیتی و حتی فرآورده های نفتی از بندر شهید رجایی انجام می شود. و به لحاظ کادر اداره بندر جزو بهترین پرسنل بنادر ایران در بندر شهید رجایی هستند و طبیعی است که به همین دلیل که کارکنان مجرب و دانشمند و بالاترین سطوح آموزش را هم در داخل دیده اند و هم در سازمان بنادر عضو سازمان جهانی دریانوردی بوده و استانداردهایی که بر کشتی و کالا لازم بوده، آموزش دیده اند. در بسیاری از همایش های بین المللی شرکت کردند یا همایش های بین المللی در شهید رجایی برگزار شده و به لحاظ تجهیزات ایمنی هم از یک سطح قابل قبولی برخوردار است. باید موضوع را از یک زاویه دیگری نگاه کرد؛ اینگونه حوادث در ایران مثل سوانح هوایی، سوانح جاده ای، سوانح ریلی، همواره اتفاق افتاده، مثل همین حادثه انفجاری که در بندر بیروت با برخی دیگر از نقاط جهان شاهد بوده ایم. حوادث دلایل مختلفی می تواند داشته باشد؛ گاهی اوقات خطای سهوی انسانی، گاهی اوقات عدم رعایت استانداردهای تخلیه بارگیری، گاهی اوقات اطلاعات اشتباه یا غلط، گاهی اوقات نداشتن خود نوع کالا که در چه محوطه ای تخلیه و بارگیری شود و به هر حال خطاهای متفاوتی ممکن است منجر به یک فاجعه مثل بندر شهید رجایی شود. اما آنچه که می توان به صراحت ذکر کرد این است که خطایی که صورت گرفته، نمی تواند از طرف کارکنان بندر شهید رجایی یا کارکنان بخش واردات و صادرات کشور عمدی اتفاق افتاده باشد. شاید این گزاره درست باشد که احتمالاً در خصوص چنین حوادثی که کاملاً ممکن است خطاهای سهوی اتفاق افتاده باشد البته از طرف کسانی که متولی واردات و صادرات در یک کلام کانتینر بندر شهید رجایی بودند. لذا یک مقدار باید زمان بگذرد تا کل فرآیند با دقت مورد بررسی قرار بگیرد و این بررسی فرآیند هم کار خیلی سختی نیست چون در یک فرآیند واردات کالا هم خط کشیتزانی یعنی مالک کشتی، هم نماینده خط کشیتزانی، هم متولی حمل و اظهارکننده کالا، هم متولی تخلیه و بارگیری و هم همه دستگاه هایی که از زمان پهلو گرفتن کشتی در کنار اسکله تا زمانی که کانتینر در یک محوطه اختصاصی تخلیه شده باید مورد بررسی قرار بگیرد که هر یک از سازمان هایی که متولی قضیه بودند اعم از صاحب کالا، متولی حمل، متولی تخلیه و بارگیری، صاحب ترمینال چه وظیفه ای و چه نقشی در این فرآیند داشته اند. لذا چون اینگونه فرآیندهای تخلیه و بارگیری در بندر شهید رجایی انجام می شود و یک رویه شناخته شده است که هر روز و هر ساعت صورت می گیرد، به نظر می رسد کشف حقیقت کار خیلی سختی نباشد لذا باید منتظر ماند تا کمیسیونی که متولی بررسی این حادثه است گزارش نهایی را منتشر کند. آنچه که مسلم است در اینگونه حوادث درس های زیادی برای یاد گرفتن وجود دارد. اگر درس هایی که از این نوع حوادث آموخته می شود، مبنای کار برای ادامه فعالیت ها در آینده واقع شود، شاهد تکرار اینگونه حوادث دیگر نخواهیم بود یا احتمال وقوع آن به حداقل ممکن خواهد رسید.

روایت تغییر در مذاکرات ایران و آمریکا

ادامه یادداشت

... برخلاف دوره های گذشته که تلاش ها غالباً بر یافتن نقاط توافق و تنش زدایی متمرکز بود، این بار به نظر می رسد که مذاکرات وارد مرحله ای سخت تر، فنی تر و البته سیاسی تر شده است؛ مرحله ای که در آن فشار، تهدید غیرمستقیم و نمایش قدرت، نقش پررنگ تری نسبت به مصالحه و خوش بینی دیپلماتیک یافته اند. آغاز این روند تازه را شاید باید در همان دور نخست گفت و گوهای مستقیم اخیر میان ایران و آمریکا در عمان جست و جو کرد؛ جایی که تهران، برای نخستین بار پس از ماه ها توقف تماس ها (در دور اول)، یک بسته پیشنهادی سه مرحله ای را روی میز گذاشت. بسته ای که اگرچه در ظاهر منطقی و حساب شده بود، اما با زتاب های سیاسی و رسانه ای آن در واشینگتن و فراتر از آن، به شکلی شگفت انگیز سرنوشت مسیر مذاکرات را تغییر داد. پیشنهاد ایران شامل سه گام مشخص بود: در گام نخست، ایران متعهد می شد که سطح غنی سازی اورانیوم خود را به ۳/۶۷ درصد کاهش دهد؛ مشروط بر آنکه آمریکا داری ای های بلوکه شده ایران را آزاد کرده و اجازه فروش آزاد نفت را صادر کند. در گام دوم، تهران وعده توقف کامل غنی سازی و بازگشت بی قید و شرط بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی را مطرح کرد؛ در مقابل، واشینگتن باید مانع فعال شدن مکانیسم ماشه می شد و بخشی از تحریم ها را برمی داشت. در گام سوم و نهایی، ایران متعهد می شد همه ذخایر اورانیوم غنی شده خود را به کشوری ثالث (احتمالاً روسیه) منتقل کند، در حالی که آمریکا موظف بود توافقی نهایی و جامع را به تصویب بکند و برساند و تمامی تحریم ها را لغو کند. این پیشنهاد زمانی مورد توجه ویژه قرار گرفت که استیون ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات، در حاشیه برگه های پیشنهادی ایران عبارت perfect را یادداشت کرد. در آن لحظه، امیدهایی شکل گرفت که شاید مسیری جدید برای احیای نوعی توافق هسته ای بین دو کشور باز شده است. اما این امید کوتاه مدت دیری نپایید. انتشار خبر یادداشت ویتکاف موجی از انتقادات تند علیه او در واشینگتن به راه انداخت؛ مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی در آمریکا و اسرائیل، ویتکاف را به ساده لوحی و عدم درک واقعی از ماهیت تهدید ایران متهم کردند. رسانه های تندرو حتی به سوایق قبلی او در پرونده های اوکراین و غزه پرداختند و صلاحیتش برای مدیریت چنین مذاکرات حساسی را زیر سوال بردند. زیر این فشارها، کاخ سفید تصمیم گرفت تیم مذاکره کننده خود را بازاریابی کند و چهره ای سرسخت تر و حرفه ای تر را به میدان بفرستد؛ فردی که نه تنها مذاکره گری دیپلماتیک باشد، بلکه نماد تغییر فلسفه برخورد آمریکا با ایران نیز به شمار رود. اینجا بود که نام مایکل آنتون به میان آمد. مایکل آنتون، متفکری از جناح راست محافظه کار آمریکا، فارغ التحصیل علوم سیاسی و فلسفه و نویسنده مقاله معروف پرواز ۹۳ در سال ۲۰۱۶ است؛ مقاله ای که حمایت تمام قدا او از دونالد ترامپ را به شکلی جرسورانه بیان کرد. آنتون که هم در دولت اول ترامپ و هم در دولت جدید او حضور مؤثر داشته، نگاه خاصی به نظم جهانی، تهدیدات نوظهور و نقش آمریکا در جهان دارد. برای او، سیاست خارجی چیزی نیست که بر پایه آرمان شهرگرایی یا لیبرالیسم جهانی بچرخد؛ بلکه میدان بی رحمانه ای است که در آن تنها زبان قدرت فهمیده می شود. با ورود آنتون به مذاکرات ایران، فضای گفت و گوها نیز تغییر کرد. دیگر هدف اصلی، دستیابی سریع به توافق نبود؛ بلکه شکل دادن به مسیری بود